



دبیر جشنواره فیلم کوتاه تهران از «زنان، وطن و آینده فیلمساز جوان» به «ایران» می‌گوید

سینمای کوتاه بدون پرشش‌های زمانه، آینده جامعه نمی‌شود

گفت‌وگو

نگرش عاشوری
گروه فرهنگی

جوانی را در نظر بگیرید که از یک دفتر انجمن در شهرستان راهی تهران می‌شود تا فیلمش را روی پرده ببیند؛ چند دقیقه‌ای که تکه‌ای از جان

اگر کسی بخواهد نبض واقعی جامعه را بدون واسطه و روتوش بگیرد، باید به قاپ‌های فیلمسازان کوتاه نگاه کند؛ آثاری که در چند دقیقه، می‌تواند عصاره‌ای از زندگی امروز را ثبت کند. شما در مواجهه با آثار رسیده به دبیرخانه جشنواره، با تصویری از ذهن و روان نسل جوان ایران روبه‌رو هستید. این تصویر چه چیزی را نشان می‌دهد و فیلمسازان جوان امروز بیش از هر چیز نگران چه مسائلی هستند؟

باید قدری صمیمی‌تر بحث کنیم. اگر بخواهیم بفهمیم جوانان امروز ایران درباره چه موضوعاتی فیلم می‌سازند، باید از یک پرسش بنیادی شروع کنیم: جوان ایرانی امروز چه چیزی را در زندگی خود تجربه می‌کند که احساس می‌کند باید آن را با دوربین روایت کند، به چالش بکشد یا نقد کند؟ باید بپذیریم که در سال‌های اخیر، بخشی از فیلم کوتاه ایران از روایت مسائل عمومی جامعه به سمت تجربه‌های شخصی‌تر، تعارض‌های نسلی و محدودیت‌های زندگی روزمره و پرسش درباره هویت و آینده حرکت کرده است. البته این یک جمع‌بندی تحلیلی از نمونه‌های قابل مشاهده است، نه نتیجه یک آمار جامع از همه فیلم‌های تولیدشده در کشور.

نمی‌توان همه فیلمسازان جوان را نامید یا مخالف روایت‌های رسمی فرض کرد. در فیلم کوتاه ایران، روایت‌های شاعرانه، طنز، آثار کدوک، تجربه‌های فرمی، موضوعات خانوادگی و فیلم‌های مبتنی بر معنویت نیز حضور پررنگی دارند. برای تعیین سهم واقعی هر موضوع، به تحلیل آماری مجموعه کامل آثار پدیده‌شده در جشنواره و آثار تولیدشده توسط انجمن نیاز داریم؛ این تحلیل در حال جمع‌آوری و بررسی است و پس از آن جشنواره ارائه خواهد شد. به‌طور کلی، پرسش‌هایی مانند «من چه کسی هستم؟»، «چقدر حق انتخاب دارم؟» و «چگونه می‌توانم خودم باشم؟» در داستان‌هایی درباره پوشش، روابط اجتماعی، خانواده، سبک زندگی و استقلال فردی نمود پیدا می‌کنند. دشواری‌های اقتصادی جوانان نیز در آثار سینمایی معاصر ایران مورد توجه قرار گرفته است. خانواده و این روایت‌ها می‌تواند هم پناگاه باشد و هم فضایی برای کنترل و تعارض.

اگر بخواهم موضوعات مهمی را که در فیلم‌های کوتاه امروز مورد توجه قرار گرفته است، خانواده و این روایت‌ها می‌تواند هم پناگاه باشد و هم فضایی برای کنترل و تعارض. اگر بخواهم موضوعات مهمی را که در فیلم‌های کوتاه امروز مورد توجه قرار گرفته‌اند، فهرست کنم، باید به تنهایی در شهر، دشواری برقراری ارتباط با بزرگ‌ترها، ترس از شکست و احساس معلق بودن میان ماندن و رفتن اشاره کنم. حق تصمیم‌گیری درباره زندگی، فشارهای اجتماعی، تبعیض جنسیتی، نقش‌های خانوادگی و امکان حضور برابر در عرصه عمومی نیز از دیگر موضوعات هستند.

فاصله میان هویت واقعی و مجازی، وابستگی به تأیید دیگران، حریم خصوصی و تأثیر شبکه‌های اجتماعی بر روابط انسانی، سبک، خاطرات خانوادگی، آثار جنگ و انتقال تجربه‌های تاریخی از نسلی به نسل دیگر نیز در این حوزه قرار می‌گیرند. این موضوعات به دلیل امکان روایت در فضاهای محدود، ظرفیت مناسبی برای تبدیل شدن به فیلم کوتاه دارند.

وقتی در نشست خبری گفتید میزبانی نکرده‌اید و خود فیلمسازان ملاحظات لازم را رعایت می‌کنند، این پرسش مطرح شد که غیبت برخی دغدغه‌ها و مسائل جامعه روی پرده، به چه دلیلی بوده است. برای فیلمسازی که می‌خواهد در جشنواره حضور پیدا کند، این رویداد پناگاهی برای بیان

بی‌لکنت دغدغه‌هایش است یا یادآور خطوط کثی‌هایی است که نباید به آنها نزدیک شود؟ به نظرم جشنواره می‌تواند محل طرح یک پرسش اساسی باشد: آیا سینمای جوان ایران فرصت دارد پرسش‌های دشوار زمانه خود را مطرح کند؟ این پرسش به معنای الزام فیلمسازان به ساخت آثار سیاسی و اجتماعی نیست. آزادی هنری یعنی فیلمساز بتواند از سیاست بگوید یا نگوید؛ اما اگر بخواهد درباره قدرت، مسئولیت، تبعیض، فساد، محدودیت یا رابطه مردم و نظام فیلم بسازد، موضوعش صرفاً به دلیل انتقادی بودن از پیش بی‌اعتبار نشود. جشنواره می‌تواند با سه اقدام به این بحث کمک کند: برگزایی نشست تخصصی درباره نسبت فیلم کوتاه، سیاست و خودسانسوری با حضور فیلمسازان، پژوهشگران و منتقدان؛ ایجاد فضای نقدی که در آن درباره مضمون و کیفیت فیلم‌ها گفت‌وگو شود، بدون آنکه نقد به‌خودی‌خود عیب یا امتیاز تلقی شود و پژوهش درباره آثار جوانان در چند دوره جشنواره؛ برای بررسی اینکه چه موضوعاتی پررنگ یا کم‌رنگ شده‌اند و چه عواملی در این تغییر نقش داشته‌اند. اگر بخواهم صریح بگویم، برخی خط‌کشی‌ها زمینه مساعدی برای خودسانسوری ایجاد می‌کنند؛ اما کم‌رنگ‌بودن فیلم‌های سیاسی جوانان را نمی‌توان فقط به این عوامل نسبت داد.

شاید مسأله عمیق‌ترین این باشد که آیا فیلمساز جوان احساس می‌کند می‌تواند درباره آنچه واقعاً نگران‌ش می‌کند فیلم بسازد و همچنان آینده‌ای حرفه‌ای برای خود متصور باشد. اگر نسل جوان نتواند نگرانی‌ها، تناقض‌ها و پرسش‌های واقعی زمانه خود را در فیلم‌هایش بیان کند، سینمای کوتاه چگونه می‌تواند به آینده جامعه و آرمایشگاه اندیشه‌های تازه تبدیل شود؟ جشنواره‌ای که می‌خواهد امید بسازد، لازم نیست همه فیلم‌ها را سیاسی کند؛ اما باید فضایی فراهم کند که در آن فیلم‌ساز برای انتخاب یک موضوع دشوار، هیچ نگرانی غیراز تولید اثرش نداشته باشد.

دختران فیلمساز امسال کجای جشنواره ایستاده‌اند؟ بحث حضور زنان در سینما یا هاست به‌آمار و ارقام تقلیل پیدا کرده؛ در حالی که مسأله فقط تعداد نیست؛ فرم، جهان‌بینی و کیفیت روایت نیز اهمیت دارد. حضور زنان در عرصه فیلم کوتاه را از نظر جسارت در انتخاب موضوع، مهارت فنی و شکلات دادن به زبان ارزیابی چگونه ارزیابی می‌کنید؟ آیا این رشد، فراتر از افزایش تعداد، در کیفیت آثار نیز دیده می‌شود؟

برای بررسی موقعیت زنان و دختران در فیلم کوتاه ایران، باید از یک پرسش ساده فراتر برویم: آیا زنان فقط در ساخت فیلم کوتاه حضور دارند یا در انتخاب سبزه‌ها، زبان سینمایی، مدیریت تولید و تعیین مسیر آینده این سینما نیز نقش مؤثر ایفا می‌کنند؟

به نظر می‌رسد فیلم کوتاه برای بسیاری از زنان تولید کم‌هرزیه، جوان، فضایی برای تجربه‌گری و بیان روایت‌هایی فراهم کرده که امکان طرح آنها در قالب‌های دیگر سینمایی محدودتر است. بااین حال، برای ارزیابی دقیق این موقعیت باید میان حضور، فرصت برابر، آزادی عمل و میزان موفقیت حرفه‌ای تفاوت گذاشت.

زنان در مقام کارگردان، فیلمنامه‌نویس، تدوینگر، فیلمبردار، بازیگر، تهیه‌کننده و انیمیشن‌ساز فعالیت می‌کنند. سینمای کوتاه، به دلیل امکان تولید با گروه کوچک‌تر و بودجه محدودتر، می‌تواند راهی

برای ورود به تجربه حرفه‌ای باشد؛ اما این ویژگی به‌خودی‌خود به معنای برابری فرصت‌ها نیست. یکی از تغییرات مهم، حرکت از زن به عنوان شخصیتی فرعی یا موضوع نگاه دیگران، به سوی زن به عنوان شخصیت تصمیم‌گیرنده و صاحب تجربه است. براساس آمار ثبت‌شده، از میان ۲۱۳۱ شرکت‌کننده در جشنواره چهل‌وسوم، ۱۷۳۵ نفر مرد و ۳۹۶ نفر زن بوده‌اند که به ترتیب حدود ۸۱.۴ و ۱۸.۶ درصد از این آمار را تشکیل می‌دهند. بااین حال، مسأله فقط امکان ساخت فیلم نیست؛ دسترسی به سرمایه، تجهیزات، گروه حرفه‌ای، آموزش، شبکه‌های توزیع، جشنواره‌ها و فرصت ادامه فعالیت نیز اهمیت دارد. بدون داده‌های تفکیک‌شده، نمی‌توان با دقت گفت زنان در هر یک از این حوزه‌ها چه سهمی دارند یا فاصله آنها با مردان چقدر است.

موقعیت زنان در سینمای کوتاه ایران را باید هم از منظر ظرفیت خلاقه و تنوع روایت‌ها بررسی کرد و هم از منظر موانع ساختاری و امکان تداوم حرفه‌ای. معیار موفقیت فقط افزایش تعداد فیلمسازان زن نیست؛ بلکه فراهم‌شدن شرایطی است که زنان بتوانند با انتخاب آزادانه سبزه، زبان و شیوه تولید خود فیلم بسازند و امکان دیده‌شدن و ادامه کار داشته باشند. انجمن سینمای جوانان ایران نیز تلاش می‌کند مسیر فیلمسازی زنان را هموارتر کند و در این زمینه فعالیت‌هایی داشته است.

دبیر جشنواره معمولاً در مصاحبه‌ها به تعریف کلی از بخش‌های مختلف می‌پردازد، اما شما پیش از مدیریت و دبیری، فیلمساز بوده‌اید و با زبان تصویر و دشواری‌های ساخت آشنایی دارید. اگر از منظر یک فیلمساز به آثار امسال نگاه کنید، مهم‌ترین نقطه قوت و کشف این نسل چیست و در مقابل، چه ضعف‌هایی در درام‌پردازی یا تکنیک می‌تواند آینده سینمای ایران را تهدید کند؟ فیلمسازان جوان امروز در چه زمینه‌هایی از نسل‌های پیشین قوی‌ترند و چه کمبودهایی دارند؟

به نظرم اگر بخواهیم نسل امروز فیلمسازان جوان ایران را با نسل‌های پیشین مقایسه کنیم، باید از دو قضاوت ساده فاصله بگیریم: نه نسل جدید الزماً خلاق‌تر از نسل‌های گذشته است و نه نسل‌های گذشته الزماً عمیق‌تر و صاحب‌سبک‌تر بوده‌اند. تفاوت اصلی در نوع امکانات، شیوه مواجهه با جهان، زبان سینما و مسیر رشد فیلمساز است. برای انجمن سینمای جوانان ایران، این پرسش اهمیت ویژه‌ای دارد: چون مسأله فقط شناخت توانایی‌های نسل جدید نیست، بلکه شناخت چیزهایی است که باید به این نسل آموخت و فرصت‌هایی است که باید برایش فراهم کرد. فیلمساز جوان امروز برای ساخت یک فیلم الزماً به دوربین‌گران قیمت، استودیوی بزرگ یا تشکیلات پیچیده نیاز ندارد.

دوربین‌های دیجیتال، ابزارهای تدوین و امکانات تولید کم‌هرزیه، امکان تجربه‌کردن و ساختن فیلم را بیشتر کرده‌اند. فیلمسازان جوان می‌توانند با فاصله کمتری از تجربه‌های جاری زندگی، از بحران هویت و روابط خانوادگی تا تنهایی شهری، شکاف نسلی و اضطراب آینده، روایت بسازند. مواجهه روزانه با فیلم، ویدئو، شبکه‌های اجتماعی، تدوین دیجیتال و انواع فرم‌های تصویری نیز برای آشنایی از جوانان نوعی آشفتگی عملی با زبان تصویر ایجاد کرده است. نسل جدید آسان‌تر می‌تواند با آثار و تجربه‌های سینمایی کشورهای مختلف آشنا شود، شیوه‌های تازه روایت را ببیند

واقعی عدالت فرهنگی فقط تعداد فیلم‌های شهرستانی در جشنواره نیست؛ باید ببینیم این فیلم‌ها پس از انتخاب‌شدن چه سرنوشتی پیدا می‌کنند.

تقلید هم مختص شهرستان‌ها نیست. فیلمساز تهرانی نیز می‌تواند از موج‌های سینمایی روز تقلید کند. مسأله این است که تقلید در آثار فیلمسازان جوان، در هر جغرافیایی، چه شکلی پیدا می‌کند. گاهی فیلمساز شهرستانی، آگاهانه یا ناخودآگاه، چنین فرض می‌کند که برای حرفه‌ای‌شدن باید شبیه فیلمسازان شناخته‌شده تهران فیلم بسازد و در عین حال، برای متفاوت بودن باید از روستا، قومیت، لهجه یا محرومیت به عنوان امتیاز استفاده کند. راه خروج، نه کنارگذاشتن تجربه محلی است و نه پناه‌بردن به آن. راه خروج این است که مکان محلی از پس زمینه به منبع شناخت و از نشانه هویت به موتور درام تبدیل شود.

در یکی از پراکندترین مقاطع تاریخی کشور، سینما رقت‌ناشد برای بسیاری از مردم در اولویت نباشد. در چنین زمانه‌ای، جشنواره چه قراری با مخاطب می‌گذارد؟ امیدی که از آن سخن گفته می‌شود، صرفاً دلخوشی روی کاغذ است یا می‌تواند آفتی واقعی پیش روی نسل جوان قرار دهد؟ دوست دارید ۱۰ سال دیگر به این دوره برگردیم و بگویم نقطه شروع یک اتفاق مهم از همین‌جا بود؟

به گمان من، این دوره می‌تواند به یک پرسش اساسی پاسخ دهد: آیا جشنواره می‌تواند به جوانی که

می‌خواهد فیلم بسازد، دلیلی واقعی برای ادامه دادن بدهد؟ امیدبخشی در سینما با چند جمله انگیزشی یا برگزاری یک مراسم پرشور اتفاق نمی‌افتد. جوان فیلمساز زمانی امیدواری می‌شود که احساس کند دیده می‌شود، امکان رشد دارد، شکست به ارتباطات خاص یا برخورداری از امکانات فراوان محدود نشده است.

از این منظر، جشنواره چهل‌وسوم می‌تواند فراتر از یک رویداد سالانه، به نقطه شروعی تازه برای رابطه میان نسل جوان، انجمن سینمای جوانان ایران و آینده سینمای کشور تبدیل شود. سه ویژگی، ظرفیت چنین نقشی را برای جشنواره چهل‌وسوم ایجاد می‌کند. نخست، شعار «اندیشه ایرانی، روایت جهانی» است. این شعار اگر در انتخاب فیلم‌ها، نشست‌ها و سیاست‌های حمایتی به یک رویکرد عملی تبدیل شود، می‌تواند به جوانان بگوید برای جهانی شدن، لازم نیست شبیه دیگران شوند؛ باید جهان خود را با زبانی سینمایی و قابل فهم برای دیگران روایت کنند. دوم، حضور گسترده فیلمسازان خارج از پایتخت است. براساس گزارش موجود درباره تولیدات انجمن، ۳۰ مورد از ۴۴ اثر مورد حمایت انجمن در بخش تهران مسابقه ملی به شهرهایی غیر از تهران تعلق دارد. این آمار می‌تواند نشانه‌ای از ظرفیت گسترده تولید در سراسر کشور باشد؛ البته به تنهایی برای اثبات برابری فرصت‌ها کافی نیست. سوم، پیوند جشنواره با آموزش و گفت‌وگوست. برنامه نشست‌های تخصصی «۲۰۴۳» امکان مهمی برای فراتر رفتن از نمایش فیلم‌ها و فراهم‌کردن فضای یادگیری و ارتباط

حرفه‌ای است. ارزش واقعی چنین برنامه‌ای زمانی آشکار می‌شود که آموخته‌ها به همکاری، توسعه پروژه و فرصت‌های تازه منجر شوند. فیلمساز جوان باید احساس کند ارزش فقط در یک سانس نمایش داده نمی‌شود، بلکه امکان نقد حرفه‌ای، معرفی رسانه‌ای، ارتباط بعدی را نیز دارد. جشنواره می‌تواند برای آثار منتخب، پرونده معرفی و برنامه نمایش پس از جشنواره طراحی کند. جوانی که از یک دفتر انجمن در شهرستان به جشنواره می‌آید، نباید خود را مهمان موقت تهران بداند. نشست‌های کوچک با فیلمسازان نسل‌های مختلف، دیدار با تهیه‌کنندگان و ایجاد شبکه‌های همکاری بین‌استانی می‌تواند حس تعلق و امکان پیشرفت را تقویت کند. اگر جشنواره تنها برندگان را معرفی کند، بخش بزرگی از جامعه جوان را بیرون از تجربه خود می‌گذارد. جلسات بازخورد تخصصی، تحلیل فیلمنامه و گفت‌وگوی صریح درباره ضعف‌های آثار می‌تواند به فیلمسازان از توسعه فیلمنامه تا تولید و عرضه فیلم بعدی تعریف شود. حتی حمایت محدود اما قابل‌بگیری، از وعده‌های بزرگ و بدون تداوم اثرگذارتر است. شروع تازه لزوماً به معنای تغییر نیست. تغییر رابطه جشنواره با فیلمساز جوان باید؛ از رابطه‌ای که عمدتاً بر ارسال اثر، انتخاب، نمایش و جایزه استوار است، به رابطه‌ای که رشد حرفه‌ای فیلمساز را نیز دنبال می‌کند.



به نظرم جشنواره می‌تواند محل طرح یک پرسش اساسی باشد: آیا سینمای جوان ایران فرصت دارد پرسش‌های دشوار زمانه خود را مطرح کند؟ این پرسش به معنای الزام فیلمسازان به ساخت آثار سیاسی و اجتماعی نیست



اگر بخواهم موضوعاتی که در فیلم‌های کوتاه جوانان مورد توجه قرار گرفته‌اند، فهرست کنم، باید به تنهایی در شهر، دشواری برقراری ارتباط با بزرگ‌ترها، ترس از شکست و احساس معلق بودن میان ماندن و رفتن اشاره کنم. حق تصمیم‌گیری درباره زندگی، فشارهای اجتماعی، تبعیض جنسیتی، نقش‌های خانوادگی و امکان حضور برابر در عرصه عمومی نیز از دیگر موضوعات هستند.

پیام مسعود پزشکیان به چهل‌وسومین جشنواره بین‌المللی فیلم کوتاه تهران:

فیلم کوتاه صدای نسل امروز و نگاه آنان به جهان و آینده است

می‌کند، بخشی از واقعیت امروز ایران و جهان را صادقانه و هنرمندانه روایت می‌کنند. جشنواره بین‌المللی فیلم کوتاه تهران، فرصتی ارزشمند برای گردهم‌آمدن این نگاه‌ها و گفت‌وگو میان سینماگران ایران و جهان است و زمینه‌ای برای شناخت بیشتر ملت‌ها از یکدیگر و نزدیک‌تر شدن انسان‌ها از مسیر هنر و فرهنگ فراهم می‌آورد.

امروز بیش از همیشه به هنر و روایت‌هایی نیاز داریم که انسان‌ها را به یکدیگر نزدیک کنند، زمینه گفت‌وگو و درک متقابل را فراهم آورند و امید، همدلی و امکان ساختن آینده‌ای بهتر را در متن زندگی مردم جست‌وجو کنند. فیلم کوتاه، با صمیمیت و جسارتی که در روایت دارد، صدای نسل امروز و نگاه آنان به جهان و آینده است. برگزاری چهل‌وسومین جشنواره بین‌المللی فیلم کوتاه تهران را به همه هنرمندان، سینماگران، جوانان خلاق و میهمانان این جشنواره فرهنگی و هنری تبریک می‌گویم و برای این رویداد، روزهای سرشار از خلاقیت، گفت‌وگو و تجربه‌های تازه آرزو می‌کنم.»